

بازخوانی تاریخ

برای اولین بار احسان طبری مقاله ای در روزنامه رهبر نوشته و ضمن آن گفته است که شمال ایران حریم امنیت شوروی است و ما بایستی این حریم را محترم بشماریم. دکتر مصدق گفت: چی گفتی؟ حریم امنیت؟ دست کرد در جیبش یک قلمتراش در آورد بیرون. تیغه ی آن را باز کرد و به من گفت: تو جای پسر من هستی اگر یک دفعه ی دیگر این کلمه ی حریم امنیت از دهنت بیرون بیاید با این زبانت را می برم...



به گزارش پارسینه، محمدابراهیم کلالی از سیاستمداران ایرانی در دوره پهلوی اول و دوم بود، مشاورت قوام السلطنه در سمت فرماندار خراسان، سه دوره نمایندگی مردم کاشمر در مجلس شورای ملی (دوره های نهم، دوازدهم، هجدهم) و نقش وی در جریان قیام کلنل محمد تقی خان پسیان و مسئله کشف حجاب از نکات بارز زندگی وی است.

وی ملقب به سردار نصرت بود و در سال ۱۲۷۳ ه.ش/۱۸۹۴ م در یکی از خانواده های معروف و ملاک خراسان به دنیا آمد. وی در بیست سالگی ریاست ایل تیموری را برعهده گرفت در سال ۱۲۹۷ به تهران آمد و با خانم حاجب دولو دختر مصطفی قلی خان امیر معظم حاجب الدوله که یکی از کارگزاران دربار قاجار بود در تهران ازدواج کرد.

کلالی در دو مجلس موسسان که یکی در سال ۱۳۰۴ (تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی) و دیگری در سال ۱۳۲۸ تشکیل شده هم شرکت داشته است.

محمد ابراهیم کلالی، در کابینه دکتر مصدق وزیر کار بود و مدتی نیز سرپرستی شهربانی کل کشور را برعهده داشت.

او جزو وزیران محافظه کار کابینه مصدق و جزء گروه طرفدار مصالحه درباره مساله نفت بود جالب است. امیر تیمور در یادداشت هایش که تحت عنوان ”ناگفته هایی از دولت دکتر محمد مصدق“ منتشر شده است معمولاً در حال شکایت از بقیه اعضا بویژه وزرای تندرو است، او از انتصاب دکتر فاطمی به معاونت سیاسی نخست وزیر انتقاد می کند و آنرا باعث شکایت بسیاری می داند.

محمد ابراهیم کلالی پس از انقلاب اسلامی در ایران امیر تیمور در سال ۱۳۵۸ از ایران خارج شد و حدود چهار سال با فرزندانش در جنوب کالیفرنیا زندگی کرد.

وی در اواخر سال ۱۳۶۱ به ایران مراجعت کرد و بعد از پنج سال در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۶ در سن ۹۳ سالگی در تهران درگذشت و در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

کلالی در بخش از کتاب خاطرات خود، خاطره ناگفته ای از ایرج اسکندری (از رهبران حزب توده) درباره موضوع امتیاز نفت شمال به شوروی و حمایت حزب توده از آن را مطرح می کند که بازخوانی

آن خالی از لطف نیست:

درباره ی حریم امنیت و در رابطه با همین مسئله ی نفت و این مسائل برای اولین بار احسان طبری مقاله ای در روزنامه ی رهبر نوشته و ضمن آن گفته است که شمال ایران حریم امنیت شوروی است و ما بایستی این حریم را محترم بشماریم... ما {هم} خیال می کردیم که حرف صحیحی است که گفته شده به این دلیل یکی دوبار دیگر هم ضمن مقالات بعدی حریم امنیت را تکرار می کردیم. روزی برای صحبت به منزل دکتر مصدق رفته بودیم... دکتر یزدی هم بود. بحث می کردیم... در آنجا ضمن صحبت گفتیم: آخر این مسئله بالاخره جزء حریم امنیت شوروی است. دکتر مصدق گفت: چی گفتی؟ حریم امنیت؟ دست کرد در جیبش یک قلمتراش در آورد بیرون. تیغه ی آن را باز کرد و به من گفت: تو جای پسر من هستی اگر یک دفعه ی دیگر این کلمه ی حریم امنیت از دهننت بیرون بیاید با این زبانت را می برم...